

آقای حجاریان جفای به مردم تا چه حد؟!!

در مقاله "انتخابات"، شرکت یا تحریم، به نا مشروع بودن انتخابات در نظام بسته پرداختم. با خواندن مصاحبه آقای حجاریان بر آن شدم تا ضمن نقدی بر نظرات او به برخی از استدلالهای جانبداران شرکت در انتخابات بپردازم. در مصاحبه آقای حجاریان نکات مهمی نهفته است که به ترتیب به آنها میپردازم. میگوید "انقلاب در ایران نه اینکه نتوان کرد، بلکه تبعاتش ممکن است آنقدر بالا باشد که به کار ایران نیاید" در جایی دیگر میگوید "انقلاب آمد. جارو کرد و برد. انقلاب که خبر نمیکند. یکبار می آید" و باز "انقلاب مخملین یا صورتی در جاهایی رخ داده که دارای جامعه مدنی قوی بوده و یا در دولت شکاف عمیق بروز کرده است و یا اپوزیسیون قوی توانسته بخشی از کشور را طی جنگ یا تقابل داخلی به قبضه خودش در بیاورد". میبینیم که ایشان همواره بکار آقای ترس به جامعه مشغول است.

لازم است به یاد آقای حجاریان بیاورم که انقلاب از خود هستی ندارد و مجموعه ای از عوامل و مجریان در شکل گیری و ادامه آن نقش دارند. انقلاب ضد استبدادی و ضد استعماری ایران در سال ۵۷ با شعار استقلال و آزادی و اسلامی که بیانگر این دو اصل که خشونت زدایی روش آن بود، نهایتاً گل را بر گلوله پیروز گرداند، با حضور گسترده مردم و امید بر قراری مردمسالاری امکان پذیرفت. امید مردم این بود که پس از سه انقلاب، خانه تکانی کرده و استبداد و به تبع آن وابستگی را از خانه خود "جارو" نمایند، اما به کسانی اعتماد کردند و امر "جارو" کردن را به آنها سپردند که فکر استبدادی داشتند و غبار استبداد سلطنتی را به زیر فرش استبداد دینی "جارو" کردند. با اعدام های سران رژیم شاه توسط امثال خلخالی با حکم آقای خمینی، و جلوگیری از برگزاری دادگاههای عادلانه به هدف روشن شدن چگونگی عملکرد نظام استبدادی و جنایات و فساد هایش، مردم را از شناخت زیر ساختهای یک نظام استبدادی محروم کردند، چرا که قصد زورپرستان جدید نه برقراری آزادی، بلکه به اقرار شما، تنها بدست آوردن قدرت و در نتیجه دوباره سازی همان ساختهای استبدادی بود. اما با گذشت زمان آلودگی های موجود بصورت نهادهای گوناگون از قبیل سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات (خود شما از بنیان گذاران آنید)، دادگاههای انقلاب و ویژه و... تحمیل خشونت به جامعه و... بیرون زد و نهایتاً با جمله معروف آیت الله خمینی که "اگر سی و پنج میلیون بگویند آری من میگویم نه" و بالاخره با کودتا علیه منتخب مردم در خرداد ۶۰ که شما و یارانتان با آن بیگانه نیستید، خود را کاملاً عیان کرد.

شما مردم را از تبعات انقلاب میترسانید. اما "تبعات منفی" بار شده بر انقلاب را یاران دیروز و امروز شما بوجود آوردند. همانها که با استقرار استبداد ولایت فقیه بهار انقلاب را به خزان استبداد بدل کردند. آن تبعات البته برای شما خوشایند بود وگرنه هنوز با اصرار در ماندن در حاکمیت ولایت فقیه و التزام به آن و حفظ آن، زحمت مردم نمی داشتید. اگر امروز مردم مصمم به خانه تکانی و "جارو" کردن استبداد و در صدد زیستن در آزادی باشند، آیا تبعات چنین خانه تکانی از زیستن در منجلاب استبداد خونریز و فاسد که هستی ایران را به بازی گرفته بیشتر است؟ آیا ایرانی وطن پرست این استدلال را میپذیرد؟

ایران خود در ربع قرن پیش از این، انقلاب گل انجام داد. هنوز صحنه های سربازان مسلح که از سوی مردم گل بر لوله تفنگ آنان گذاشته میشد تفنگی که شاید گلوله آن حتی سینه یاری را شکافته بود، در خاطر هاست. اینک شما گرجستان، اوکراین و قزاقستان را دارای جامعه مدنی قوی میدانید و انقلاب مخملین و یا بدون خشونت که همان جنبش عمومی است را در این کشورها ممکن و در ایران ناممکن میدانید؟! آیا ملت ایران که خود مبتکر چنین جنبشی بودند سزاوار این جفایند؟ و بلافاصله خطر تجزیه کشور از سوی عناصری که جایگاهی در بین مردم ندارند و یا جنگ و تقابل داخلی را یاد آور میشوند تا ترس را به جامعه منتقل کنید. گروهی از جانبداران شرکت در انتخابات بر این ترس خطر حمله و تجاوز نیروهای بیگانه به ایران را نیز می افزایند و حضور گسترده مردم در انتخابات را مانع به وقوع پیوستن آن قلمداد میکنند، میگویند حضور گسترده و رای به کاندیدایی که به مراکز قدرت وابسته نیست نشان از مخالفت با حاکمیت میدهد. اما اولاً کلیه امکانات رای گیری و رای خوانی در اختیار حاکمیت است، در ثانی، چه تضمینی است که "شخص منتخب" رای به خود را رای به نظام نخواند - همانطور که آقای خاتمی خواند. اما این امر مجازی بیش نیست و حقیقت امر این است که تحریم گسترده انتخابات و خالی گذاشتن حوزه های رای گیری است که نشان از توانایی و آگاهی مردم دارد و تمامیت ارضی، یکپارچگی ملی و عدم دخالت بیگانگان را تضمین میکند. ملت ایران باید یکپارچه بپا خیزد و زورگویان را از خود و وطن خود براند و امر "جارو کردن" را اینبار خود بر عهده بگیرد.

شما میگو یید "جامعه الان در حالت خواب رفتگی است. شاید هم بیدار است و خودش را به خواب زده است، کسی که خواب است را میشود بیدار کرد ولی کسی که خودش را به خواب زده هیچ کاری نمیشود کرد."

اما کسی که خود را به خواب میزند باید دلیلی بر این کار داشته باشد که معمول ترین آن ترس از امری است. مثلاً شخصی که دزد وارد خانه او شده ، از ترس دزد خود را به خواب میزند تا حداقل توسط وی کشته نشود! اگر فرض را بر صحت حرف شما بگذاریم آیا این ترس ها که شما به جامعه القا میکنید در این خود بخواب زدگی موثر نیست؟ مسئولیت شما در این امر چقدر است؟

نه، مردم ایران بیدارند ،خود شما میگویید سنجشها حکایت از این دارند که کمتر از چهل درصد مردم در انتخابات شرکت خواهند کرد. اگر فرض را بر صحت آن نظر سنجیها بگذاریم (که در این زمینه هم چون تمامی زمینه ها اعتمادی به داده های حاکمیت نیست) همان نظر سنجیهای مورد استناد شما نیز نشان از بیداری اقلاً شصت درصد جامعه دارد. مدتی تحت شعار اصلاحات که هیچ معلوم نبود محتوای آن چیست توسط عده ای که خود را اصلاح طلب و از قضا، شما ، آقای حجاریان را مغز متفکر آن مینامیدند هیپنوتیزم شده بودند .

شعبده بازانی هستند که به آنان *illusionniste* یا وهم گرا میگویند ، شناخته ترین آنها داوید کاپرفیلد است. اینان با " قدرتی" که دارند ،مدتی مجاز را بجای واقعیت مینشانند. در حضور عده ای تماشاگر ساختمان عظیمی مثلاً " برج ایفل را ناپدید میکنند و حیرت همه را بر می انگیزند . با پایان نمایش ،حضار در میابند که دیده آنها مجاز بوده و برج ایفل همچنان بجاست . از عجایب اینکه تمامی آنان که به دیدن این گونه نمایش ها میروند به مجازی بودن آن واقفند، اینک پس از هشت سال که از شعار اصلاحات میگذرد ، حاصل تجربه القای این نظریه به حدی وخیم بوده است که خود آقای حجاریان نیز مرگ آن و مجاز بودن آن را میپذیرد و اذعان میدارد . اما خود او احتمالاً" (اگر نگوییم قطعاً") از ابتدا میدانسته که مرده دنیا آمده بود. اینک نمایش اصلاحات پایان یافته و واقعیت یعنی ولایت زور همچنان بجاست. ولی باز با پنهان کردن حقیقت که اصلاح ناپذیری نظام ولایت فقیه است ، اینبار اصطلاح مجازی اصلاحات تجسدی را بکار میبرد و میگوید آنکه مرد اصلاحات گفتمانی بود . حال ایشان لطف نموده و ویژه گیها و مشخصات این اصلاحات تجسدی و ابزار اجرای آن را در نظام ولایت فقیه در چنبره حکم حکومتی ها و نیز این امر که شرکت مردم در انتخابات چه نقشی جز ابزاری برای چانه زنی در بالا و فشار از پایین دارد را شفاف نمایند . تکلیف این اصلاحات تجسدی با قانون اساسی که ولایت جمهور مردم را به پای ولایت مطلقه فقیه قربانی کرده است روشن نمایند . نقش رئیس جمهور در این اصلاحات تجسدی اگر تدارکاتچی نیست ، چیست ؟

و بالاخره مردم به جز پرداخت هزینه برای مجاز های ساخته ذهنیت شما و امثال شما و اکنون نیز طلب شما از آنان در جهت ایجاد امکانات مالی و لجستکی برای حزب به تعبیر خود شما قدرت خواهان ، حاصلی را باید ببینند ؟ حاصلی که امکان تحقق حقوق ملی اش را میسر سازد؟ اشکال کار شما و تمامی آنانکه قدرت را اصل می‌شمارند وبا کسب قدرت میخواهند به اهداف خود برسند در این است که مردم را وسیله رسیدن به هدف و ابزاری میدانند که بکار فشار از پایین و چانه زنی از بالا می آیند نه افرادی دارای حقوق. مقایسه صوری شما از احزاب قدرت طلب با سرمایه دار سود جو و نتیجه گیری شما ، نشان از این امر دارد.

نه آقای حجاریان ،حتم دارم که ملت ایران بیدار است و اینبار فریب نخواهد خورد و مخالفت خود با استبداد و فکر استبدادی را با تحریم گسترده انتخابات بر جهانیان آشکار خواهد کرد.